



نکوداشت بانوی آزاده

پروانه بهار

و تسلیت به

خاندان ارجمند بهار

آرمان: درگذشت بانوی آزاده و فرهیخته، پروانه بهار، دختر زنده یاد محمدتقی بهار (ملک الشعرای بهار) را به خاندان ارجمند بهار، به ویژه به دکتر مژده بهار و دکتر هادی بهار از کوشندگان فرهنگ و از یاران فصلنامه آرمان صمیمانه تسلیت می گوئیم.

در شماره ۱۴ آرمان مصاحبه اختصاصی مژده بهار با زنده یاد پروانه بهار را به مناسبت تجدید چاپ کتاب "مرغ سحر" و خاطرات او به زبان انگلیسی تحت عنوان:

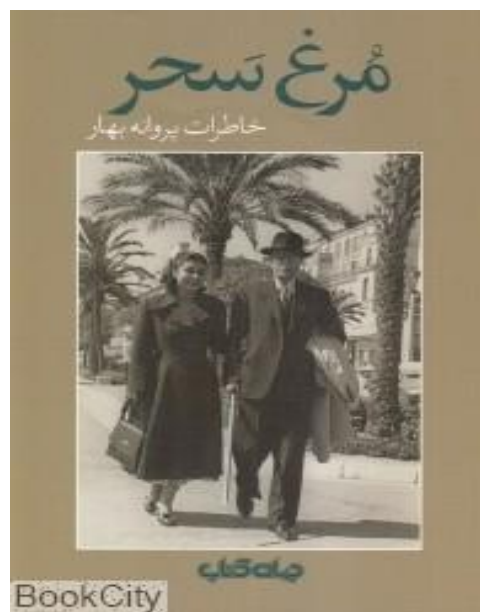
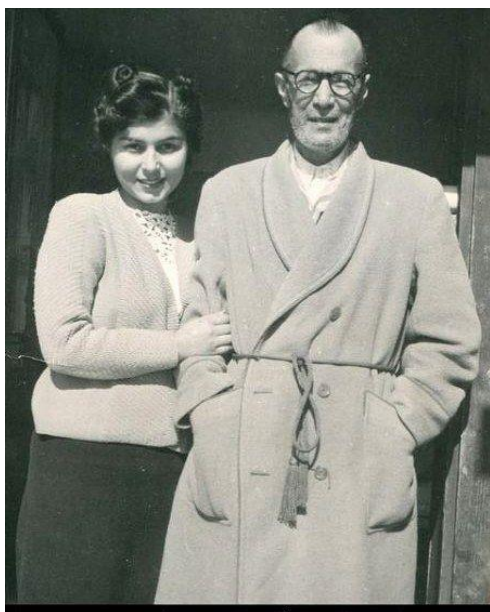
The Poet's Daughter: Malak O'Shoara Bahar and the Immortal Song of Freedom

منتشر شد که خواندن آن کتاب و مصاحبه را توصیه می کنیم. پروانه بهار با تاسف فراوان روز جمعه پنجم ژوئیه در ایالت کالیفرنیا آمریکا درگذشت.

پروانه بهار زنی با شهامت و در جستجوی دانش بود و این خصوصیات را مدیون تربیت پدر و جو خانواده می- دانست. او چهارمین فرزند شاعر و سیاستمدار بزرگ ایران، متولد سال ۱۳۰۷ بود و پس از تحصیلات اولیه در ایران، با دکتر علی اکبر خسروی ازدواج و به آمریکا مهاجرت کرد. دو فرزند به نامهای بابک و سودابه حاصل این ازدواج است و هر دو در آمریکا زندگی می کنند. پروانه در آمریکا به تحصیلات خود ادامه داد و موفق به اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته کتابداری شد و سالها مدیریت کتابخانه صندوق بین المللی پول را بر عهده داشت.

پروانه بهار در آمریکا از مبارزان جنبش حقوق مدنی سیاهان بود. در بخشی از مصاحبه او برای آرمان می خوانیم:

من ازدواج کردم و در سال ۱۹۵۳ برای اینکه شوهرم به نمایندگی ایران در بانک جهانی انتخاب شده بود، به واشنگتن آمدم. ماموریت شوهرم شش دفعه یا ۱۲ سال تمدید شد. در این دوران که من به آمریکا آمدم، همسر و مادر شدم، دیپلم، لیسانس و فوق لیسانس را گرفتم، درحالی که شوهر من، بر خلاف پدرم، مخالف تحصیل زن بود. این داستان جالبی دارد که امیدوارم در کتابم بخوانید.



من در خانواده ای آزادیخواه بزرگ شدم و از زندگی پدرم در مورد آزادی و آزادی یاد گرفتم. یک تابستان به همراه شوهرم، پسر و دخترم به فلوریدا رفته بودیم. پسر که سبزه است در استخر شنا می کرد و من کنار استخر بودم. ناگهان صدای سوت و فریادی شنیدم که می گفت: "این بچه سیاه را از آب بیرون بیاورید!" فهمیدم منظورش پسر من است! در آن زمان، سیاه پوستان حق شنا کردن در استخرهای سفیدپوستان را نداشتند. من با مدیریت هتل برخورد بدی کردم و از همان روز تصمیم گرفتم که در مبارزات مدنی شرکت کنم و حق سیاه پوستان و سایر اقلیت ها از جمله زنان را بگیرم. در کتابم جزئیات این مبارزات را شرح داده ام.

فقدان این بانوی ارجمند را به خاندان او و اهل فرهنگ ایران تسلیت می گوئیم.